

فقه فناوری اطلاعات و ارتباطات

حریم خصوصی

نوزدهم : حکم حریم خصوصی، بحث روایی

۹۲/۱۲/۱۹

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی:
۷- نفی دیه از کسی که به منزل دیگری سرک می‌کشد یا جواز کور کردن او

از جمله روایات مشابه و مربوط به این باب احادیثی است که اهل سنت در منابع خود ذکر کرده‌اند از جمله بخاری در کتاب خود بابی را گشوده با عنوان «باب من اطلع في بيت قوم ففقؤا عينه فلا دية له» و در آنجا سه حدیث مشابه احادیثی که گذشت آورده است:

۹- حدثنا أبو اليمان حدثنا حماد بن يزيد عن عبيد بن أبي بكر بن أنس عن أنس رضي الله عنه ان رجلا اطلع من حجر في حجر النبي صلى الله عليه و سلم فقام اليه بمشقص او بمشقص و جعل يخته ليطعنه (صحيح البخاري ؛ و رواه مثله في صحيح مسلم؛ سنن أبي داود)

اختله یعنی با او درگیر شود. از اختلّ القوم اذا تضاربوا. جُحر بضم الجيم و سکون الحاء به معنای سوراخ یا حفره است. حُجّر جمع حجرة به معنای اتاق و بیت است.
- مشابه این حدیث را ترمذی آورده است:

- حدثنا بن دار، أخبرنا عبد الوهاب الثقفي عن حميد عن أنس أن النبي صلى الله عليه و سلم كان في بيته فاطلع عليه رجل فأهوى إليه بمشقص فتأخر الرجل. (سنن الترمذي)

-ترمذی بعد از ذکر حدیث گفته است که این حدیثی حسن و صحیح است. اهوی به معنای میل یافتن است یا از اهوی بیده الی الشیء: یعنی دستش را به آن دراز کرد (مقدمة الادب) یا از اهویت بالشیء یعنی به آن شیء اشاره کرد. (تهذيب اللغة)

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی:
۷- نفی دیه از کسی که به منزل دیگری سرک می‌کشد یا جواز کور کردن او

۱۰- حدثنا قتيبة بن سعيد حدثنا ليث عن ابن شهاب ان سهل بن سعد الساعدي أخبره ان رجلا اطلع في جحر في باب رسول الله صلى الله عليه و سلم و مع رسول الله صلى الله عليه و سلم مدرى يحك به رأسه فلما رآه رسول الله صلى الله عليه و سلم قال لو اعلم ان تنتظرنى لطعنت به في عينيك قال رسول الله صلى الله عليه و سلم انما جعل الاذن من قبل البصر (صحيح البخاري؛ صحيح مسلم؛ سنن الترمذي)

در نسخه صحيح مسلم و سنن ترمذی به جای «من قبل البصر» آمده است «من اجل البصر».

بررسی ادله لفظی حرمت حريم خصوصي:
۷- نفی ديه از کسی که به منزل دیگری سرک می کشد یا جواز کور کردن او

۱۱- حدثنا علي بن عبد الله حدثنا سفيان حدثنا أبو الزناد عن الأعرج عن أبي هريرة قال قال أبو القاسم صلى الله عليه و سلم لو ان امرأ اطلع عليك بغير اذن فحذفته بحصاة ففقات عينه لم يكن عليك جناح (صحيح البخاري؛ صحيح مسلم، سنن النسائي)

در سنن نسائي به جای عبارت آخر آمده است «ما كان عليك حرج و قال مرة اخرى جناح»
همچنین در منابع دیگر اهل سنت احاديث مشابهی ذکر شده است:

۱۲- حدثني زهير بن حرب حدثنا جرير عن سهيل عن ابيه عن ابي هريرة عن النبي صلى الله عليه و آله قال من اطلع في بيت قوم بغير اذنهم فقد حل لهم ان يفقوا عينه (صحيح مسلم؛ مسند ابي داود) در مسند ابو داود آمده است «من اطلع على قوم».

۱۳- أخبرنا محمد بن المثنى قال حدثنا معاذ بن هشام قال حدثني أبي عن قتادة عن النضر بن أنس عن بشير بن نهيك عن أبي هريرة عن النبي صلى الله عليه و سلم قال من اطلع في بيت قوم بغير اذنهم ففقوا عينه فلا دية له و لا قصاص. (سنن النسائي)

۱۴- حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ حَدَّثَنَا حَمَّادٌ عَنْ سُهَيْلٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو هُرَيْرَةَ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ «مَنْ أَطْلَعَ فِي دَارِ قَوْمٍ بِغَيْرِ إِذْنِهِمْ فَفَقَّأُوا عَيْنَهُ فَقَدْ هَدَرَتْ عَيْنُهُ» (سنن أبي داود)

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی:
۷- نفی دیه از کسی که به منزل دیگری سرک می‌کشد یا جواز کور کردن او

اهل لغت نیز مشابه این حدیث را در منابع خود آورده‌اند:

۱۵- «مَنْ نَظَرَ فِي صَيْرٍ بَابٍ فَفُقِئَتْ عَيْنُهُ فَهِيَ هَدْرٌ». (المحيط في اللغة؛ لسان العرب)

صیر به معنای شکاف است.

۱۶- من صیر ففقئت عینه فهی هدر (المحكم)

صیر در اینجا به معنای نگاه کردن از شکاف است. ولی احتمال این که نقل این حدیث تصحیف باشد هست. چون این حدیث و نیز این لفظ به این معنا را کسی جز ابن سیده (م.ج ۸، ۳۶۱) نقل نکرده است.

۱۷- من نظر من صیر باب من غیر إذن فعینه هدر (شمس العلوم)

در ذیل این حدیث آورده:

قال الشافعي: إذا اطلع رجلٌ إلى بيت رجل فنظر إلى حرمة ففقأ عينه فلا ضمان عليه. و

هو مروى عن مالك. و عن أبي حنيفة: هو ضامن.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: ۹- روایات تنزیل نگاه

در منابع لغت حدیث ذیل به صورتی مکرر آمده است:

۱- من نظر فی صیر باب فقد دَمَر (کتاب العین؛ فقه اللغة)

اهل لغت در معنای دمر اختلاف نظر دارند:

اکثر اهل لغت دمر در این حدیث را به ورود بدون اذن معنا کرده‌اند. در این معنا نگاه به منزله ورود بدون اذن است. (تهذیب اللغة؛ الصحاح؛ فقه اللغة للثعالبی؛ شمس العلوم؛ لسان العرب) برخی آن را مطلق دخول گفته‌اند اعم از این که با اذن باشد یا بدون اذن. (مقایس اللغة)

اما برخی دیگر از اهل لغت دمر را به معنای هلاک و هجوم آوردن گرفته‌اند نه به معنای ورود بدون اذن. (جمهرة اللغة؛ الفائق)

برخی نیز با ترکیب این دو قول گفته‌اند که دمر به معنای هجوم و دخول بدون اذن از ریشه دمار به معنای هلاک است چون این نیز هجوم آوردن به صورتی مکروه است. و معنای این حدیث آن است که زشتی کار مطّلع (کسی که سرک می‌کشد) مثل زشتی کار دامر (داخل بدون اذن) است (النهاية؛ لسان العرب؛ تاج العروس)

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: ۹- روایات تنزیل نگاه

۱- من نظر فی صیر باب فقد دَمَر (کتاب العین؛ فقه اللغة)

اما به نظر می‌رسد همان طور که محققان اهل لغت ذکر کرده‌اند دمر به معنای ورود بر خلاف جریان عادی و طبیعی است طوری که مخل به نظم باشد. این معنا غالباً ملازم با دخول بدون اجازه یا هجوم و دشمنی و نیت شرّ است.

در قران این کلمه فقط به صیغه تفعیل (تدمیر) بکار رفته است به معنای صیوررت و جعل یعنی وارد کردن بر خلاف نظم و جریان و مرجع این مفهوم به اخلال در نظام و خارج کردن چیزی از جریان طبیعی‌اش است. این که گفته‌اند که تدمیر به معنای هلاک کردن و از بین بردن و مانند آن است معنای حقیقی لغت نیست بلکه لازمه معنای آن است. چون تدمیر نوعی بلا و اعم از هلاک کردن است هرچند غالباً این بلا منجر به هلاک کردن می‌شود.

برخی از کاربردهای این لفظ در قران چنین است:

رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا (الاحقاف: ۲۴-۲۵)

وَ دَمَرْنَا مَا كَانْ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (الاعراف: ۱۳۷)

یعنی موجب اختلال در نظام و تباهی مصنوعشان شد و آنچه از آن بالا می‌رفتند را زیر و رو کرد

(التحقیق فی کلمات القرآن الکریم)

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: ۹- روایات تنزیل نگاه

– من نظر في صير باب فقد دَمَرَ (کتاب العين؛ فقه اللغة)

در برخی نسخ اصل روایت را این گونه آورده‌اند:

– مَنْ نَظَرَ مِنْ صِيرِ بَابٍ فَقَدْ دَمَرَ (تهذيب اللغة؛ لسان العرب)

معنای حدیث این است که هر کس از شکاف دری (به داخل) نگاه کند به منزله آن است که بدون اجازه به داخل وارد شده است.

۵- مَنْ سَبَقَ طَرَفُهُ اسْتِئْذَانَهُ فَقَدْ دَمَرَ (الصَّحاح؛ الفائق؛ شمس العلوم؛ لسان العرب)

این حدیث اشاره به این مطلب است که ممنوعیت ورود بدون اجازه به دلیل چشم و نگاه کردن بوده است. خداوند از جمله به این جهت امر کرده که هنگام ورود به منزل دیگران اجازه بگیرند که چشم کسی به داخل نیافتد.

۶- حَدَّثَنَا الرَّبِيعُ بْنُ سُلَيْمَانَ الْمُؤَدَّنُ حَدَّثَنَا ابْنُ وَهْبٍ عَنْ سُلَيْمَانَ - يَعْنِي ابْنَ بَلَالٍ - عَنْ كَثِيرٍ (بن زید) عَنْ وَلِيدٍ (بن رباح) عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ «إِذَا دَخَلَ الْبَصَرُ فَلَا إِذْنَ». (سنن أبي داود)

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی:
۹- روایات تنزیل نگاه

۷- حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ حَدَّثَنِي أَبِي حَدَّثَنَا الْخَزَاعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ بِلَالٍ عَنْ
كَثِيرِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ رَبَاحٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ - «إِذَا دَخَلَ الْبَصْرُ فَلَا إِذْنَ أَنْ يَدْخُلَ الْبَيْتَ» (مسند أحمد)

همین حدیث را سید رضی در کتاب المجازات النبویة آورده و در توضیح آن گفته است:
این استعاره است و مراد از آن این که هر کس برای ورود به خانه‌ای اجازه بگیرد آن گاه
چشمش را قبل از بدنش وارد خانه کند اجازه گرفتن او باطل است چون اجازه قبل از آنست که
چشم به داخل منزل بیافتد اما اگر این گونه شود گویی اجازه گیرنده قبل از اجازه ورود به منزل
وارد شده است و قبل از امر به دخول داخل شده است. و خبر دیگری آنچه را گفتیم تقویت
می‌کند که حضرت عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ فرمود: «مَنْ أَطَّلَعَ مِنْ صَيْرٍ بَابٍ فَقَدْ دَمَّرَ» و معنای
دمر داخل شد است و دامر کسی است که داخل شود (المجازات النبویة)

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی:
۹- روایات تنزیل نگاه

۸- حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ حَدَّثَنَا جَرِيرٌ ح وَحَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ حَدَّثَنَا حَفْصٌ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ طَلْحَةَ عَنْ هُزَيْلٍ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ - قَالَ عُثْمَانُ سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ - فَوَقَّفَ عَلَى بَابِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَسْتَأْذِنُ فَقَامَ عَلَى الْبَابِ - قَالَ عُثْمَانُ مُسْتَقْبِلَ الْبَابِ - فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - «هَكَذَا عَنْكَ أَوْ هَكَذَا فَإِنَّمَا الْأَسْتِذَانُ مِنَ النَّظَرِ» (سنن أبي داود)

هزیل نقل می کند که مردی (عثمان گوید او سعد بن ابی وقاص بود) ایستاد بر درب (خانه) پیامبر (ص) طلب اذن می کرد و ایستاد بر آن درب - عثمان گوید در حالی که رو به قبله داشت - پیامبر (ص) به او گفت «این گونه از تو یا این گونه پس همانا طلب اذن به دلیل نگاه است.»

معنای حدیث احتمالاً این است که پیامبر با اشاره به وارد شونده آموزش داده که چگونه نزد درب خانه بیاستد که نگاهش به داخل نیافتد.

تعریف مختار

اینک به بررسی احکام این موارد می‌پردازیم:

برای این که حکم حریم خصوصی را در این موارد بیان کنیم باید حکم هشت مورد از تصرفات ذیل را در ادله فقهاتی بررسی کنیم:

• **لمس** بدن خود او یا افراد خانواده او یا دوستان و فامیلش

• **تماس** با بدن خود او یا افراد خانواده او یا دوستان و فامیلش

• **معیت** با دیگری یا حضور یا ورود در مکان دیگری یا معیت با افراد خانواده او یا دوستان و فامیلش

• **ورود** در مکان دیگری بدون حضور (دسترسی به اطلاعات دیگری در مکانی) یا افراد خانواده یا دوستان و فامیلش از جمله حضور در منزل او یا منزل دوستان یا فامیلش

• **نگاه و مشاهده** دیگری، نگاه به عکسهای خصوصی یا خانواده یا دوستان و فامیلش

• **آگاهی و مطالعه** دیگری یا آگاهی و مطالعه مکانهای حضور دیگری یا خانواده دیگری یا دوستان و فامیلش

• **نشر اطلاعات** دیگری، عکسهای خصوصی یا خانواده او یا دوستان و فامیلش

• **مداخله و فضولی** در رابطه ما با خانواده و دوستان و فامیل یا در کارهای او یا خانواده او یا دوستان و فامیلش

دسته بندی روایات :

- دسته اول: وجوب استیذان برای ورود
- دسته دوم: حرمت تتبع عورات
- دسته سوم: حرمت تتبع لغزش‌ها
- دسته چهارم: حرمت افشای اسرار
- دسته پنجم: حرمت تجسس
- دسته ششم: نهی از سرک کشیدن بر منزل دیگران
- دسته هفتم: نفی دیه از کسی که به منزل دیگری سرک می‌کشد یا جواز کور کردن او
- دسته هشتم: حرمت هتک ستر
- دسته نهم: روایات تنزیل نگاه

بررسی منابع فقهی: ۱- وجوب استیذان برای ورود

وجوب استیذان برای ورود

الحجر/موجباته/الصغير/الاول البلوغ/جواهر الكلام

۱- صاحب جواهر در بحث از موجبات محجوریت از جمله صغیر بودن را ذکر کرده و در آن دو وصف بلوغ و رشد را ذکر می‌کند و به تناسب در بحث از بلوغ به وجوب اجازه گرفتن آنان هنگام ورود به اتاق والدین اشاره می‌کند و در ادامه می‌گوید:

و أما وجوب الاستئذان فإنه و إن قل من تعرض له في كتب الفروع، و من ثم لم يشتهر الحكم به بين الناس حتى صار كالشريعة المنسوخة، لكن عن التبيان، و مجمع البيان، و روض الجنان، و كنز العرفان، و آيات الأحكام، و المسالك الجوادية و قلائد الدرر، النص عليه. و يدل عليه مضافا إلى أمر الكتاب- الذي هو أحق الأوامر بالإيجاب، و إطلاق النهي في قوله تعالى «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ» الى آخره، و ما في التهجم على المساكن المختصة من الأذية و الخروج عن الآداب العقلية و الشرعية (جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۲۶، ص: ۲۲)

او سپس به استنباط وجوب از آیات و ذکر برخی روایاتی که گذشت، می‌پردازد.

و الحمد لله رب العالمين